



توراه اور • پاراشاها תולדות • مامار 5

ראה ריח בני כריח שדה אשר ברכו ה'

«بنگر، رایحهٔ پسرم چون رایحهٔ مزرعه است»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/toldos/5

1 **ראה ריח בני כריח שדה אשר ברכו ה'.** להבין דהא יצחק הבין שהוא עשו ואיך היה חשוב בעיניו כ"כ [כל כד]. **גם באמת אינו מובן איך היה עשו בעיני יצחק.**

«بنگر، بویِ پسرَم چون بویِ دشتی است که ه' آن را برکت داده است.» [باید] فهمید: اسحاق (יצחק) می‌پنداشت که او عیسو (عשו) است؛ پس چگونه عیسو تا این اندازه نزد او ارجمند بود؟ افزون بر این، در حقیقت روشن نیست که عیسو نزد اسحاق چگونه بود.

כי פעם אמר הכתוב כי ציד בפיו שהי' [שהיה] מרמהו בשאלות איך מעשרין את התבן כו'
 زیرا در جایی آیه می‌گوید: «زیرا [شکار در دهانش بود]»؛ یعنی او با پرسش‌هایی مانند اینکه کاه را چگونه ده‌یک می‌کنند و مانند آن، اسحاق را می‌فریفت.

ופעם אמר הכתוב הקל קול יעקב והיינו לפי שאמ' כי הקרה ה' אלהיך כו' וידע שעשו אין ש"ש [שם שמים] شגור בפיו.

و در جایی دیگر آیه می‌گوید: «صدا، صدای یعقوب (יעקب) است»؛ یعنی چون گفت: «زیرا ه'، اלקים تو، آن را [برایم] فراهم کرد» و مانند آن؛ و اسحاق می‌دانست که نام آسمان بر زبان عیسو روان نیست.

אך הענין כי הנה עשו סוספיתא דדהבא פסולת הגבו' [הגבורה] דיצחק שהוא בחי' מעלת הזהב על הכסף ומפסולת שלו יצא עשו ורישא דעשו בעטפוי דיצחק.

اما مطلب این است: عیسو «پسماندِ طلا» (סוספיתא דדהבא, sosfisa dedahava) است؛ پسماندِ قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) اسحاق، که جنبهٔ برتریِ طلا بر نقره است؛ و عیسو از پسماندِ آن پدید آمد. و «سرِ عیسو [جای دارد] در آغوش اسحاق».

2 **ולהבין ענין רישא הנה יש י"א סממני הקטרת הצרי והצפורן כו' והם כנגד יו"ד כתרין דמסאבותא שהוא החיות שבקדושה המחי' [המחיה] את זלע"ז [זה לעומת זה]**

برای فهمِ معنای «سر»: یازده ادویهٔ بخور وجود دارد، «صمغ بلسان و ناخنک» و غیره؛ و آن‌ها با ده تاجِ ناپاکی (כתרין دمسאבותא, kistrin demisaavusa) مطابقت دارند؛ این، نیرویِ حیات (חיות, chayus) درونِ قداست است که به «یکی در برابر دیگری» حیات می‌بخشد.

כמו שיש בקדושה י"ס [י' ספירות] כך יש ממש בקליפה הארה מי"ס [מי' ספירות] דקדושה. אך בקדושה עשר ולא תשע ולא י"א ובקליפה הוא י"א סממני הקטורת.

זیرا همان‌گونه که در قداست ده مرتبه تجلی (ספירות, Sefiros) وجود دارد، در پوسته (קליפה, kelipah) نیز دقیقاً [همان] هست: پرتویی از ده **ספירות** قداست. اما در قداست «ده است، نه نه»، و نه یازده؛ حال آنکه در **קליפה** یازده ادویه بخور وجود دارد.

3 **והענין כי ע"י החיות שנמשך בקדושה הנה כתיב וצבא השמים לך משתחווים שהם בטלים מחמת**

שמשיגים החיות שנמשך עליהם מקדושתו ית' משא"כ הקליפות הם מגביהים א"ע [את עצמו] כנשר כו'

شرح این است: درباره نیروی حیات (חיות, chayus) که در قدسیت جاری می‌شود، نوشته شده است: «و سپاه آسمان در برابر تو سجده می‌کنند»؛ زیرا آنان، چون نیروی حیاتی را که از قدوسیت او، متبارک باد، بر آنان جاری می‌شود، ادراک می‌کنند، در برابر آن خودنمی‌گیرند. اما پوسته‌ها (קליפות, kelipos)، برعکس، خود را «همچون عقاب» و جز آن بالا می‌برند،

בחוצפה והיינו לפי שהחיות הנמשך אליהם הוא اצלם בסוד גלות ולפיכך הגם שנמשך אליהם מחיות

דקדושה اینم בטלים ואדרבה מגביהים א"ע [את עצמו] כנשר כו' והחיות שנמשך להם הוא نבלע בתوכם.

با گستاخی. علت این است که نیروی حیاتی‌ای که به آنها جاری می‌شود، در میانشان در حالت تباعد است؛ ازاین‌رو، با آنکه نیروی حیات را از قدسیت دریافت می‌کنند، خودنمی‌گیرند. برعکس، خود را «همچون عقاب» و جز آن بالا می‌برند، و نیروی حیاتی‌ای که به آنها جاری می‌شود در درونشان فروبلعیده می‌شود.

אך כיצד הם חיים וקיימים מקדושה מאחר שהחיות נבלע בתوכם הנה זהו ענין לבונה שבי"א סממני

הקטורת שהוא אור המקיף עליהם מלמעלה ואינו نבלע בתوכם.

اما اگر نیروی حیات در درونشان فروبلعیده می‌شود، پس چگونه از قدسیت زنده می‌مانند و پایدارند؟ این همان مسئله کندر (לבונה, levonah) در میان یازده ادویه بخور است: آن نور فراگیری است که از بالا بر آنان احاطه دارد؛ نوری فراگیر (اور מקיף, Or Makif) که در درونشان فروبلعیده نمی‌شود.

4 **ולפי שהוא אור המקיף מלמעלה מן הדעת שלהם ואינם מרגישים בו והחיות שנמשך להם בפנימית**

נבלע כנ"ל לפיכך הם מתגאים ומגביהים א"ע [את עצמו] בחוצפה כנ"ל.

و چون این نور، نوری فراگیر است که فراتر از آگاهی آنان قرار دارد و آنان آن را حس نمی‌کنند، درحالی‌که نیروی حیات (חיות, chayus) که در باطن به آنان کشانده می‌شود، در ایشان فروبلعیده می‌شود، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد؛ ازاین‌رو مغرور می‌شوند و با گستاخی خود را بالا می‌گیرند، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

ובח'י לבונה הוא המחבר י"ס [י' ספירות] דקדושה להאיר לע"ס [לעשר ספירות] דמסאבותא והוא רישא דעשו דהיינו בח'י המקיף מלמעלה הוא נכלל בעטפוי דיצחק ממש בקדושה

مرتبه کندر ده مراتب تجلی (سپירות, Sefiros) قدوسیت را به هم پیوند می‌دهد تا آن‌ها بر ده سپירות ناپاکی نور بتابانند. و آن «سر عیسو (عشو)» است: یعنی مرتبه فراگیر [نور] از بالا، به‌راستی در «آغوش اسحاق (יצחק)» و در خود قدوسیت گنجانده شده است.

ولכן מצד בחינת המקיף עשו שואל איך מעשרין את התבן ומצד הפנימיות אין ש"ש [שם שמים] שגור בפיו:

ازاین‌رو، از حیث مرتبه فراگیر [نور]، عیسو می‌پرسد: «چگونه از کاه عشر می‌گیرند؟»؛ و از حیث بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus)، نام آسمان بر زبانش روان نیست:

5 והנה נודע כי החיות בעשר כתרין דמסאבותא הוא מפני כי חיל בלע ויקיאנו ועת אשר שלט האדם באדם לרע לו

اکنون معلوم است که نیروی حیات در ده تاج ناپاکی از آن روست که «مال را بلعید و آن را بیرون خواهد افکند»، و «زمانی [هست] که انسان بر انسان فرمانروایی می‌کند، به زیان خودش».

وهוא מפני הנצוצות שנפלו בהם בתחלת בריאת העולם בשבה"כ [בשבירת הכלים] וימלך וימת כו' וגם מחמת חטא עה"ד [עץ הדעת]

این از جرقه‌هایی است که در آغاز آفرینش جهان، هنگام شکستن ظرف‌ها («و فرمانروایی کرد و مرد»، و جز آن)، در آن‌ها افتادند، و نیز از گناه درخت شناخت،

כמ"ש בס' הגלגולים ולפיכך נמשך להם החיות במ שהוא בסוד גלות כמארז"ל [כמאמר רבותינו זכرونם לברכה] לא גלו ישראל אלא כדי להוסיף עליהם גרי' וכן בעשו היו ניצוצות כמו ר"מ [רבי מאיר]

چنان‌که در Sefer HaGilgulim (ספר הגلגולים) نوشته شده است. ازاین‌رو نیروی حیات به آن‌ها امتداد می‌یابد و در آن‌ها به حالت تبعید است؛ چنان‌که حکیمان ما، یادشان مبارک، گفته‌اند: «اسرائیل فقط به تبعید رفت تا نوکیشان به آن‌ها افزوده شوند.» در عیسو (عشو) نیز جرقه‌هایی بود، مانند ربی میئر (رבי מאیر)

ואונקלוס ושמע' [ושמע'ין] ואבטליון ועובדיה ומהם הי' [היה] ציד בפיו והי' [והיה] רוצה יצחק להוציא ממנו בעצמו שלא ע"י יעקב

و اونكلوس (اوناكولوس)، شمعي (شمعيا) و اوطاليون (اوبتلون)، و عوبديا (عوبديا)؛ و «شكار دهان او» از آن‌ها بود. اسحاق (יצחק) می‌خواست آن‌ها را خود از [عیسو] بیرون آورد، نه از طریق یعقوب (יעקب).

כי הרי גם עכשיו חיל בלע ויקיאנו רק שהוא ע"י יעקב שהוא בחי' ז"א שכל האורות שלמעלה נכללים בו והוא מתלבש ביצי' [ביצירה] ביומין דחול בחי' עבדו זקן ביתו להעלות משם ולברר כנ"ל.

زیرا حتی اکنون نیز «مال را بلعید و آن را بیرون خواهد افکند»، اما این کار از طریق یعقوب است؛ یعقوب که مرتبه صفات عاطفی (ז"א / زعیر انפین, Z'eir Anpin) است و همه نورهای بالاتر در آن گنجانده شده‌اند. او در روزهای هفته در عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) مُتلبس می‌شود، مرتبه «بنده‌اش، پیر خانه‌اش»، تا از آن‌جا بالا آورد و پالایش کند، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

אך יצחק רצה שיהי' [שיהיה] זה שלא ע"י ז"א רק שיהי' [שיהיה] התגלות האורות העליונים בעשו עצמו והוא ענין תוס' [תוספת] ורבי האור

اما اسحاق می‌خواست این کار نه از طریق Z'eir Anpin انجام شود، بلکه نورهای برین در خود عیسو آشکار شوند؛ و این همان افزوده شدن و فزونی نور است.

כי הרי לברר הטוב מן הרע צריך להאיר שם אור רב כדי שיע"ז [שעל ידי זה] יקלוט וילקט כל הניצוצות הנשפעים שמה.

زیرا برای پالایش نیکی از بدی باید نوری بزرگ در آن‌جا بتابد، تا از این راه همه جرعه‌هایی را که به آن‌جا سرازیر شده‌اند جذب و گرد آورد.

6 וזהו ויתן לך האלקים מטל השמים הוא טלא דעתיקא דנטיף לז"א בחי' שמים. ומשמני הארץ שמן הוא חכמה ואבא יסד ברתא הנקרא ארץ ורצה להמשיך בחי' הטל והשמן דלעילא שע"ז יהי' [יהיה] העלאת הניצוצים

این [معناي] «و ה' از شبنم آسمان‌ها به تو عطا کند» است: این همان «شبنم عתיקא (Atika) است که به صفات عاطفی (ז"א / زعیر انפین, Z'eir Anpin)، یعنی مرتبه «آسمان‌ها»، فرو می‌چکد». «و از فراوانی زمین»: روغن، حکمت (חכמה, Chochmah) است، و «پدر (אבא, Abba) دختر (ברתא, barta) را بنیاد نهاد؛ آن دختر «زمین» نامیده می‌شود. او می‌خواست مرتبه شبنم و روغن برین را فرود آورد تا از این راه جرعه‌ها بالا آورده شوند،

כמו שאנו רואים עד"מ כשהשמש זורח על הארץ כחום היום שואב לחלוחית הארץ ואד יעלה מן הארץ

همچنانکه، برای نمونه، می‌بینیم هنگامی که خورشید در گرمای روز بر زمین می‌تابد، رطوبت زمین را به بالا می‌کشد و «مه از زمین برمی‌خاست»؛

וכן בנר לפני האבוקה הגדולה שואבת אור הנרות כך ע"י הארה עליונה הבאה בתוס' [בתוספת] ורבי מלמעלה שואב ולוקט כל הניצוצין שנפלו למטה.

و نیز، شمعی در برابر مشعلی بزرگ قرار دارد؛ [مشعل] نور شمع‌ها را به سوی خود می‌کشد. به همین ترتیب، به واسطه پرتوافشانی برینی که با افزایش و فزونی از بالا می‌آید، همه جرقه‌هایی که به پایین افتاده‌اند بالا کشیده و گرد آورده می‌شوند.

אך הארה זו צריך להיות בתוס' [בתוספת] ורבי דייקא בחי' ברכה שהיא למעלה מסדר ההשתלשלות שלפי סדר ההשתלשלות לא הי' [היה] עשו כדאי לו.

اما این پرتوافشانی باید مشخصاً با افزایش و فزونی همراه باشد: مرتبة «برکت» که فراتر از نظم زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است؛ زیرا بر پایه نظم השתלשלות، عیسو (עשו) شایسته آن نبود.

7 וזהו ואברככה לפני ה'. לפני הוי' דוקא והרצון שהי' [שהיה] ליצחק להמשיך לעשו עצמו שלא ע"י יעקב הוא מפני שראה אותו מלמעלה למטה

این [معنای] «و من تو را پیش از نام چهارحرفی (ה', Havayah) برکت خواهم داد» است؛ یعنی به‌طور مشخص، پیش از ה'. خواست اسحاق (יצחק) که برکت را به خود عیسو (עשו)، نه از طریق یعقوب (יעקب)، فرود آورد، از آن رو بود که او را از بالا به پایین می‌دید،

ע"י בחי' לבונה שהוא בחי' המקיף ע"כ רצה להמשיך בו בחי' גלוי המקיף בתוס' [בתוספת] ורבי אור.

از طریق مرتبة کندر، که مرتبة نور فراگیرنده است؛ ازاین‌رو می‌خواست آشکارشدن نور فراگیرنده [نور] را با افزوده‌شدن و افزایش نور در او فرود آورد.

אך מ"מ טעה בזה שאין עשו כדאי בבחי' זו כ"א ע"י יעקב שלפי שאם הי' [היה] החיות נמשך אל עשו יבלע ח"ו [חס ושלום] כמקדם או שלא יהיה מבחי' עשו כלום

بااین‌همه، در این امر خطا کرد؛ زیرا عیسو شایسته این مرتبه نیست، مگر به‌واسطه یعقوب. چراکه اگر نیروی حیات (חיות, chayus) به عیسو فرود می‌آمد، مبدا مانند گذشته در او بلعیده شود، یا اصلاً چیزی از مرتبة عیسو باقی نماند؛

אבל שיהא לאהפכא חשוכא לנהורא ומרירו למיתקא א"א כ"א ע"י יעקב ז"א דקדושה שע"י יתברר מעשו ויוכלל בקדושה

اما بدل شدن تاریکی به نور و تلخی به شیرینی ممکن نیست، مگر به واسطه یعقوب، یعنی صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) قدوسیت؛ از طریق او [آنچه در] عیسو هست پالوده و در قداست گنجانده خواهد شد.

ולכן הסכים יצחק ג"כ לברכת יעקב אח"כ ולעשו אמר הנה משמני הארץ כו' משמני מקצת שמני
(וליעקב א' ומשמני בתוס' [בתוספת] וא"ו)

از این رو اسحاق پس از آن نیز با برکت یعقوب موافقت کرد. و به عیسو گفت: «اینک، از فراوانی زمین...»؛ «از فراوانی» (משמני, mishmanei), [یعنی] بخشی از فراوانی؛ حال آنکه به یعقوب گفت «و از فراوانی»، ומשמני (u-mishmanei), با واو افزوده،

דהיינו מתמצית הנשאר משמן שנמשך אל הארץ שם יהיה מושבך בחי' פנימי' [פנימיות / פנימיות] ומטל השמים של יעקב יומשך לך ג"כ

یعنی از باقیمانده روغنی که به زمین فرود آمده است؛ آنجا «جایگاه تو خواهد بود»، یعنی بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus). و از «شبنم آسمان‌ها» ی یعقوب نیز [چیزی] به تو خواهد رسید،

אבל אינו אלא מעל דהיינו בחי' מקיף בלבד (משא"כ ביעקב ויתן לך) ובתנאי ואת אחיך תעבוד שתהי'
[שתהיה] **בטל אל בחי' יעקב שע"י יהי' [יהיה] עליי' [עלייה] דוקא כנ"ל:**

اما این تنها «از بالا» است؛ یعنی فقط مرتبه نور فراگیرنده [نور] (برخلاف یعقوب: «و [ה'] به تو عطا کند»؛ و به این شرط که «برادرت را خدمت کنی»: یعنی در برابر مرتبه یعقوب خودنهی گری (ביטול, bittul) داشته باشی، زیرا تنها از این طریق عروجی حاصل خواهد شد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

8 ועתה יבואר הכתוב ראה ריח בני כו'. כי הנה יצחק רצה להמשיך בחי' מקיף ולבונה כנ"ל וכל המשכה הוא ע"י העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] כנודע.

اکنون آیه «بنگر، بوی پسرم...» و مانند آن توضیح داده خواهد شد. اسحاق (יצחק) می‌خواست مرتبه نور فراگیر و کندر را، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، به پایین فرود آورد؛ و هر فرودآوردنی از راه بالا بردن آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) انجام می‌شود، چنان‌که معروف است.

והנה להמשכת מ"ד [מיין דוכרין] **של פנימי** [פנימיות / פנימית] **די בהעלאת מ"ן** [מיין נוקבין] **בבחי' פנימי** [פנימיות / פנימית] **אבל להמשכ' מ"ד** [מיין דוכרין] **של מקיף צ"ל העלאת מ"ן** [מיין נוקבין] **ג"כ בבחי' מקיף**.

اکنون، برای فرودآوردن آب‌های مذکر (מ"ד, mayin duchrin) در مرتبهٔ درونی، بالا بردن م"ן در مرتبهٔ درونی کفایت می‌کند؛ اما برای فرودآوردن آب‌های مذکر مرتبهٔ فراگیر، باید م"ן نیز در مرتبهٔ فراگیر بالا برده شود.

9 **והנה ריח הוא העלאת מ"ן** [מיין נוקבין] **שהוא בחי' אור חוזר**. **وهוא מהגבורות כמו שרואים שתפוח מתוק אין בו ריח**.

اکنون، رایحه عبارت است از بالا بردن آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin)، که مرتبهٔ نور بازگشت‌کننده (אור חוזר, or chozer) است. این از سخت‌گیری‌ها (גבורות, Gevuros) سرچشمه می‌گیرد؛ چنان‌که می‌بینیم سبب شیرین رایحه‌ای ندارد؛

רק החמוץ וכל הדברים החריפים יש בהם ריח חזק. **وهוא לפי שהעלאת מ"ן** [میئن نוקבין] **הוא بیرורים منיצוצות שנפל בשבה"כ** [בשבירת הכלים].

فقط چیزهای ترش‌مزه و همهٔ چیزهای تند رایحه‌ای نیرومند دارند. علت این است که بالا بردن م"ן از پالایش‌ها (بیرורים, beirurim)ی جرقه‌هایی تشکیل می‌شود که در شکستن ظرف‌ها فرو افتادند.

ולכן בכל המצות לא נאמר ריח ניחות כמו בקרבנות שהוא ע"י שמעלין נפש הבהמה ומתהפך ועולה ونכלל באש שלמעלה.

ازاین‌رو، دربارهٔ هیچ‌یک از فرمان‌های دینی (מצוות, mitzvos)، تعبیر «رایحه‌ای خوشایند» (ריח ניחות, rei'ach nicho'ach) نیامده است، چنان‌که دربارهٔ قربانی‌ها آمده است؛ قربانی‌ها [عمل می‌کنند] از راه بالا بردن جان حیوان، تا دگرگون شود و بالا رود و در آتش بالا گنجانده شود.

10 **והנה הריח משיב את הנפש דהיינו מה שהיה בתחלה בבחי' הסתלקות המוחין חוזר ומאיר כאדם שהוא נרדם וע"י הריח הוא חוזר ומקיץ**.

اکنون، رایحه جان را بازمی‌گرداند؛ یعنی آنچه در آغاز در حالتِ کناره‌گیری قوای عقلانی (מוחין, mochin) بود، دوباره می‌درخشد؛ مانند کسی که به خوابی عمیق فرو رفته است و به‌واسطهٔ رایحه دوباره به خود می‌آید و بیدار می‌شود.

דהיינו ע"י השינה היה השכל בעלם. **ואח"כ כשניער משנתו הנה השכל מאיר בו בגילוי והכל נעשה ע"י הריח שהוא אור החוזר ממטה למעלה**.

یعنی در اثر خواب، عقل پنهان بود؛ سپس، هنگامی که از خواب بیدار می‌شود، عقل در او آشکارا می‌درخشد. و همهٔ اینها به‌واسطهٔ رایحه انجام می‌شود؛ رایحه‌ای که نوری بازگشتی است، از پایین به بالا.

וזהו ענין נח"ר [נחת רוח] לפני שאמרתי ונעשה רצוני. והנה עשו לא היה בו בחי' גילוי פנימי [פנימיות / פנימית] כי הפנימי [הפנימיות / הפנימית] שלו נבלע כנ"ל רק שהוא בחי' המקיף ולבונה.

این همان معنای «رضایت خاطر (نح"ر, nachas ruach) در پیشگاه من، که گفتم و خواست من انجام شد» است. عیسو (عشو) هیچ مرتبه درونی آشکاری نداشت، زیرا بُعد درونی او، چنانکه پیشتر توضیح داده شد، در او فروبلعیده شده بود؛ او تنها مرتبه نور فراگیر و کندر را داشت.

וזהו וירח את ריח בגדיו הוא בחי' המקיפים שיהיה מזה ריח הוא העלאת מ"ן [میمن نוקبین] להמשיך המקיף מטל השמים:

این است [معنای] «و رایحه جامه‌هایش را بویید»: [جامه‌ها] مرتبه نورهای فراگیرند؛ از آنها رایحه‌ای برمی‌خاست، یعنی بالا بردن آب‌های مؤنث (م"ن, mayin nukvin)، تا نور فراگیر از «شبنم آسمان‌ها» به پایین کشیده شود.

11 כריח שדה אשר ברכו ה'. הנה השדה הוא בחי' מל' דאצי' שיש בה ג"כ בחי' העלאת מ"ן [میمن نוקبین] ויש בזה ב' בחי' הא' היא העלאת מ"ן [میمن نוקبین] בטבעה ומאליה וממילא כמ"ש למען יזמרך כבוד ולא ידם.

«چون عطر میدانی که ه' آن را برکت داده است»: میدان، مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) در عالم صدور (اصیول, Atzilus) است که در آن نیز بالاآوردن میمن نוקبین (mayin nukvin) [«آب‌های مؤنث»] وجود دارد. در این باره دو مرتبه هست. نخستین، بالاآوردن میمن نוקبین به‌طور طبیعی، از خود و خودبه‌خود است؛ چنانکه نوشته شده است: «تا جلال [من] برای تو بسراید و خاموش نماند.»

קארי תדיר לנהורא עלאה ולא שכיך כו' והוא העלאת מ"ן [میمن نוקبین] לפנימי [לפנימיות / לפנימית] דהיינו לעורר המשכת הקו. ויש העלאת מ"ן [میمن نוקبین] שצריך סיוע מלמעלה שאין כח בה להעלות מ"ן [میمن نוקبین] מעצמה.

«پیوسته به نور برین ندا می‌دهد و آرام نمی‌گیرد»، و الی آخره. این، بالاآوردن میمن نוקبین به سوی بُعد درونی است؛ یعنی برانگیختن فرودآمدن خط نور (קו, kav). و نوعی بالاآوردن میمن نוקبین نیز هست که به یاری از بالا نیاز دارد، زیرا خود توان بالاآوردن میمن نוקبین را ندارد.

وهو בחי' מקיף שהוא בחי' גילוי אור א"ס ב"ה בעצמו (שהקו מאיר לתוך מקום החלל עצמו)

این، مرتبه فراگیر [نور] است؛ مرتبه آشکارشدن خود نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که مبارک باد، زیرا خط نور به خود جایگاه فضای خالی می‌تابد.

והנה העלאת מ"ן [מיין נוקבין] של בחי' פנימי' [פנימיות / פנימית] הוא בחי' בארה של מרים שהוא מעיין הנובע מאליו משא"כ העלאת מ"ן [מיין נוקבין] של המקיף כתיב באר חפרוה שרים.

اکنون، بالآوردنِ میینِ نוקبین از مرتبۀ درونی، مرتبۀ چاهِ مریم (مریم) است؛ چشمه‌ای که خودبه‌خود می‌جوشد. اما دربارهٔ بالآوردنِ میینِ نוקبین از مرتبۀ فراگیر [نور] نوشته شده است: «چاهی که بزرگان کردند.»

ויכרו שם עבדי יצחק באר. עבדי יצחק הן המשכות מבחי' יצחק שהוא עיקר האבות מבחי' בוצינא דקרדونیא מקור הגבורות כמ"ש כי אתה אבינו.

«و در آنجا خدمتگزارانِ اسحاق (יצחק) چاهی کردند.» خدمتگزارانِ اسحاق، افاضه‌هایی از مرتبۀ اسحاق‌اند؛ او سرآمدِ پدران است و از مرتبۀ بوصینا دِکردونوسا (بוצیנא دקרדونیא، botzina dekardinusa) [چراغ تاریکی] است، سرچشمۀ گבורות (Gevuros) [صفاتِ قید و سخت‌گیری]؛ چنان‌که نوشته شده است: «زیرا تو پدرِ ما هستی.»

ולכן کתיב ויריבו רעי גרر לאמר לנו המים שבחי' המקיף נמשך גם אליהם ملמעלה שאינו נבלע כמו בחי' פנימי' [פנימיות / فنیمیت] שלהם כנ"ל. וזהו אשר ברכו הוי"ה שהוא ע"י סיוע ملמעלה כנ"ל:

ازاین‌رو نوشته شده است: «و چوپانانِ چرار نزاع کردند و گفتند: «آب از آن ماست»؛ زیرا مرتبۀ فراگیر [نور] نیز از بالا به سوی آنان کشانده می‌شود، چون برخلافِ مرتبۀ درونیِ خودشان، در ایشان فروبلعیده نمی‌شود، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد. و این است معنای «که ה' برکت داده است»: این امر، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، به یاری از بالا صورت می‌گیرد.

12 והנה כ"ז [כל זה] הוא הבנת הפסוק לפי דעתו של יצחק שהבין שעשו היה לפניו. אך באמת היה זה יעקב. ואיך יבואר בחי' זו על יעקב:

اکنون، همهٔ این‌ها فهمِ آیه بر اساس دیدگاهِ اسحاق (יצחק) است؛ زیرا او گمان می‌کرد عیسو (עשו) پیش روی اوست. اما در حقیقت، یعقوب (יעקب) بود. پس این مرتبه را چگونه می‌توان دربارهٔ یعقوب توضیح داد؟

13 הנה איתא במדרש וירח את ריח בגדיו. בוגדיו בחי' בעלי תשובה שהוא בחי' מקיף דמשכין ליה בחילא יתיר.

در مدراش آمده است: «و بوي جامه‌هایش (بגדיו، begadav) را بویید:» [بخوانید: «خیانت‌کارانش» (بוגدיו، bogdav)؛ [این] مرتبۀ اهلِ بازگشت (בעלי تשובه، baalei teshuvah) است، که همان مرتبۀ فراگیر [نور] است؛ زیرا آنان او را با نیرویی افزون‌تر فرومی‌کشند.

שבזוהר אמר ע"פ ואברהם זקן בא בימים כו'. זכאין אינון מארי דתיובתא דמשכין כו'. פי' למעלה מכדי שתוכל הנפש שאת שאין לו בחי' כלי להכיל.

زیرا در زوهر، دربارهٔ «و ابراهیم (آברהם) سالخورده بود و به روزهای بسیار رسیده بود» و غیره، آمده است: «خوشا به حال اهل بازگشت که فرومی‌کشند» و غیره. مقصود این است که [آنان فرومی‌کشند] فراتر از آنچه نفس تاب تحملش را دارد؛ زیرا هیچ مرتبه‌ای از ظرف وجود ندارد که آن را در خود جای دهد.

14 וכמעשה דר"א [דרבי אלעזר] בן דורדיא. משא"כ באברהם כתיב בא בימים. בחי' כלי ולבוש כו'. והעלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] כזה שהוא בחי' מקיף הוא מפני שמתבונן בגדולת א"ס ב"ה בעצמו ובכבודו.

و همچون ماجرای ربی إلغاز بن دوریا (ربی אלעזר بن דורדיא). حال آنکه دربارهٔ ابراهیم (آברהם) نوشته شده است: «به روزگار رسیده بود»؛ یعنی مرتبهٔ ظرف و پوشش و مانند آن. و چنین بالا بردن آب‌های مؤنث (מ"ן נוקבין, mayin nukvin)، که مرتبهٔ فراگیر [نور] است، از آن‌روست که آدمی در عظمت بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، در ذات خود و در جلالش تأمل می‌کند.

כי אני הוי"ה לא שניתני כתיב רק הודו על ארץ ושמים. וירם קרן לעמו כו'. ונק' בחי' בע"ת [בעלי תשובה] אף מי שאין עבירות בידו.

زیرا نوشته شده است: «زیرا من، ה'، دگرگون نشده‌ام»؛ تنها «شکوه او بر زمین و آسمان است، و برای قومش شاخی برافراشته است» و غیره. و شخص حتی اگر گناهی در کارنامه‌اش نباشد، صاحب بازگشت (בעל תשובה, baal teshuvah) خوانده می‌شود،

רק צועק על הפירוד כו'. והוא בחי' ריח שהיא העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] לבחי' מקיף להמשיך בחי' מקיף دلעילא מטל השמים כו'.

بلکه بر جدایی فریاد برمی‌آورد و غیره. و این مرتبهٔ عطر است؛ یعنی بالا بردن آب‌های مؤنث (מ"ן נוקבין) به مرتبهٔ فراگیر، تا مرتبهٔ فراگیر برین را از «شبنم آسمان‌ها» و غیره فرود آورد.

15 אך להבין כ"ז [כל זה] והלא יעקב הוא בחי' קדושה ובלא"ה [ובלאו הכי] נמשכים בו כל האורות עליונים א"א ואו"א [ואבא ואימא] כנ"ל.

اما برای فهمیدن همهٔ اینها: مگر یعقوب (יעקב) مرتبهٔ قدوسیت نیست، و مگر حتی بدون این هم همهٔ نورهای برین، اריך انפין (Arich Anpin) و پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma)، به او فرود نمی‌آیند، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد؟

אך הברכה היא בתוס' [בתוספת] **ורבוי המשכה מלמעלה מסדר ההשתלשלו'** [ההשתלשלות] **שאינו לפי ערך ההשתלשלו'** [ההשתלשלות] **כדי להיות ורב דגן ותירוש אלו הלכות ואגדות שנתלבשו בלבושים גשמיים זרעים בחסד כו'**

اما برکت، افزونی و فزونی فرودآوردن نور از ورای ترتیب زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است؛ فرودآوردنی که متناسب با زنجیره نزولِ عوالم نیست، تا «فراوانی غله و شراب» باشد: اینها احکام (הלכות, halachos) و روایت‌های تفسیری (אגדות, aggados) هستند که در پوشش‌های جسمانی پوشیده شده‌اند: «سِدֵר זְרָעִים» (זרעים, Zera'im)؛ بذرها) در مهر (חסד, Chesed). و جز آن.

وکن כל התורה ספורי מעשיות כו' וכן נביאים שופטים מעשה דשמשון ופלגש בגבעה וכן כל מעשה המלכים וספורי מעשיות שבגמ' [שבגמרא] [דרבב"ח [דרבה בר בר חנה] [דומיהן הכל מרומז בהן סודות התורה, ועד"ז ג"כ מעשה המצות]

و نیز همه تورات، از جمله روایت‌ها و جز آنها؛ و همچنین کتاب‌های انبیا: [در] کتاب داودان، داستان شمشون (שמשון) و ماجرای همسر غیررسمی در جبعه (גבעה)؛ و نیز همه کارهای پادشاهان، و روایت‌های موجود در گمارا از رَبֵּה بار بار חָא (רבב"ח) و مانند او؛ در همه آنها اسرار تورات به اشاره آمده است. به همین ترتیب، اعمال عملی میصُوس (מצוות, mitzvos) نیز،

שע"י סוכה ולולב וציצית ותפילין גשמיים יהיה המשכת אוא"ס [اور אין سوف] [ב"ה שלמע' [שלמעלה] מעלה מהשתלשלו' [מהשתלשלות] שלפי ערך וסדר השתלשלות בעשי' [בעשיה] החיות מצומצם מאד ובכדי שיאיר اور רב מאא"ס [מאור אין سوف] [ב"ה בעצמו ובכבודו הוא]

به‌طوری‌که از رَاه کلبه سوگه (סוכה, sukkah; کلبه موقتِ عید سوکوت)، شاخه لولاو (لולב, lulav)، رشته‌های تیتسیت (ציצית, tzitzis) و تفیلین (تفیلین, tefillin) جسمانی، نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، ه'، فرود آورده شود؛ نوری که بالاتر، بسیار بالاتر از زنجیره نزولِ عوالم است. زیرا برحسب اندازه و ترتیب زنجیره نزولِ عوالم، نیروی حیات (חיות, chayus) در عالم عمل (عשיה, Asiyah) بسیار منقبض است؛ و برای آنکه نوری عظیم از بی‌نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof)، خود او، با ذات و جلالش، بتابد، این امر

ע"י יצחק دیיקא שהוא שרש הגבורות בוצינא דקרדونیא שהוא קו המדה שמודד להיות חכם כו' ומשם נמשך תוס' [תוספת] اور וגילוי גם בעשי' [בעשיה] [הגשמי' / הגשמיות / הגשמית].

به‌واسطه اسحاق (יצחק) به‌طور خاص است؛ او ریشه نیروهای قید و سخت‌گیری (גבורות, Gevuros) است، بُتسینا دِگَرْدینوسا (بוצינא دקרדونیא, botzina dekardinusa)، که همان خط اندازه‌گیری است و اندازه می‌گیرد که «خردمند باشد» و جز آن؛ و از آنجا افزونی نور و آشکاری، حتی در عالم عملی جسمانی، فرود آورده می‌شود.

16 וזהו ויתן לך האלקים גם בבחי' צמצום וקאי ויתן על בחי' הוי"ה האמור למעלה בפ' אשר ברכו ה' ואף

גם זאת בלי דעתו של יצחק רק בא אחיך במרמה

این [معنای] «و اלקים (אלקים, Elokim) به تو ببخشد» است: حتی در مرتبة انقباض (צמצום, tzimtzum)؛ و «ببخشد» به مرتبة نام چهارحرفی (ה', Havayah) اشاره دارد که پیش‌تر در آیه «که ה' برکت داده است» یاد شد. و حتی این [امر واقع شد] بی‌آنکه اسحاق (יצחק) بداند؛ تنها اینکه «برادرت با نیرنگ آمد»،

שא"א להתלבש בבחי' הדעת וכענין שאמרו לאו בזכותא תליא מילתא אלא במזלא תליא מילתא כי

ענין בזכותא הוא לפ"ע [לפי ערך] ההשתלשלות שכך ראוי לו

زیرا این نور نمی‌تواند در مرتبة شناخت (دעת, Daas) پوشیده شود؛ چنان‌که گفته‌اند: «امر به استحقاق وابسته نیست، بلکه به مزال (مزال, mazal) [ريشة روحاني برتر] وابسته است.» زیرا مقصود از «استحقاق»، متناسب با اندازه زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است: اینکه این امر شایسته او باشد،

משא"כ במזלא הוא למעלה מלפ"ע [ملפי ערך] אף שאינו ראוי כו' והיה צריך לזה לתקן חטא עה"ד [ע"ז

הדעת] שהיה ג"כ במרמה ופתוי של נחש

اما مزال فراتر از آن چیزی است که با اندازه سنجیده می‌شود، حتی اگر او شایسته نباشد، و جز اینها. و این امر برای اصلاح گناهِ درختِ شناخت لازم بود؛ گناهی که آن نیز از راه نیرنگ و فریبِ مار رخ داد،

שע"י נתגשמו העולמות ונעשה עירוב גשמיות ברוחניות ולתקן זה עשה מהפוך אל הפוך והמשיך

روحניות ואורות העליונים שיהיה נמשך גם לגשמיות.

که بر اثر آن، عوالم جسمانی شدند و آمیختگی جسمانیت با روحانیت پدید آمد. برای اصلاح این امر، او آن را از یک سوی مخالف به سوی مخالف برگرداند و روحانیت و نورهای برین را پایین آورد تا در جسمانیت نیز فرود آیند.

משא"כ אלו לא קבל יעקב הברכות היה נמשך מן התורה רק ברוחניות לבד כמו שהוא למעלה וכדה על

שכמה כו':

اما اگر یعقوب برکت‌ها را دریافت نکرده بود، [نور] تورا فقط در روحانیت، چنان‌که در بالا هست، فرود می‌آمد؛ «و کوزه‌اش بر شانه‌اش بود»، و جز اینها:



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از 5/toldos/torah-ohr/fa/likuteitorah.com

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک